



دوره هفتم تقنینیه

جلسه ۱۶۲

صورت مشروح

# مذاکرات مجلس

( بدون مذاکرات قبل از دستور )

چهارشنبه سی ام مهر ماه ۱۳۰۹ - ۲۹ جمادی الاولی ۱۳۴۹

قیمت اشتراك سیالیانه  
 داخله : ۱۰ تومان  
 خارجه : ۱۲ تومان  
 تك شماره : يكقران

مطبعه مجلس

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز چهارشنبه سی ام مهر ماه ۱۳۰۹ \* ( ۲۹ جادی الاولی ۱۳۴۹ )

## فهرست مذاکرات

- ۱ ( تصویب صورت مجلس )
- ۲ ( تصویب دو فقره مرخصی )
- ۳ ( تصویب خبر راجع به مدارس فنی و دندانسازی )
- ۴ ( شور اول لایحه اصلاح قانون مجری )
- ۵ ( موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه )

مجلس يك ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

صورت مجلس سه شنبه بیست و نهم مهر ماه را آقای مؤید احمدی ( منشی ) قرائت نمودند \* \* \*

رئیس - آقای مهدوی .  
 مهدوی - قبل از دستور  
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب  
 آقا سید یعقوب - این جا نوشته است پیشنهاد آقای  
 لژیی رد شد چون رئیس صحیحه گفت تا مین شده است  
 در کنترات نه این که مطلقا رد شد . مسئله راجع به  
 رئیس - صورت مشروح مجلس به این نکته که  
 تدریس آن قابله بود در مدرسه این جا مطلق نوشته بود  
 که پیشنهاد ایشان رد شد چون مقصود ایشان را رئیس  
 صحیحه گفت تا مین شده این بود که آن پیشنهاد را مجلس  
 قبول نکرد خواستم رد مطلق نباشد که اسباب فرجه  
 برای زن واقع شود  
 رئیس - صورت مشروح مجلس به این نکته که

\* عین مذاکرات مشروح یکصد و شصت و دومین جلسه از دوره هفتم تقنینیه . ( مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵ )

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

\* \* \* اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده است :

- غائبین با اجازه - آقایان روحی - جلدی - عباس میرزا - افسر - بوشهری - دکتر سنک - امیر اهلوم - مفتی -
- محمد علی میرزا دولت شاهی - فرخی - بالزی - آصف - اعظم - حاج میرزا حبیب الله امین - فرشی - لرستانی - رحیم زاده -
- مؤثر - اورنگ - طباطبائی وکیل - حاج سید محمود - کفائی - بیات - حاج غلامحسین ملک
- غائبین بی اجازه - آقایان افخمی - میرزا حسنخان وثوق - محمد ولید میرزا - عدل - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل -
- امیر حسینخان - حاج حسین آقا مهدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملک - تیدور تاش
- دیر آمدگان با اجازه - آقایان دکتر ملک زاده - طلوع - ضیاء
- دیر آمدگان بی اجازه - آقایان مسعود - اسدی - قوام

فرمودید متذکر است. آقای اعتبار.

اعتبار - عرضی ندارم

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (نمابندگان - خیر) صورت مجلس تصویب شد.

(۲ - تصویب دو فقره مرخصی)

رئیس - دو فقره خبر از کمیسیون عرایض و مرخصی رسیده است قرائت میشود:

خبر مرخصی آقای بیات ما کو

نماینده محترم آقای حد الله خان بیات ما کوئی بواسطه گرفتاری بامور محلی از ۲۰ شهریور ۱۳۰۹ تقاضای سی و شش روز مرخصی نموده و هفتاد و آن از حقوق اینمدت را با نظارت مؤسسه شیروخورشید سرخ به مصرف مریضخانه حضرت عبدالعظیم اختصاص داده اند کمیسیون با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد.

رئیس - مخالفی نیست؟ آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده موافقت و مخالفتم در این امورات روی نظر شخصی و خصوصی نبوده و هیچوقت نخواهد بود بعضی اوقات عرایضی که میکنم بجهت اصلاح مملکتی و اصلاحات حال مردم است. در باب مریضخانه که الان محل نظر آقایان و محل توجه آقایان شده است اولاً خیل تشکر میکنم که یک محلی که عام المنفعه است در واقع اگر انشاء الله با نظریه که بنده دارم و توجه آقایان و خواست خدا تمام بشود انقدر بدانید که سالی هزار نفر نفوس از هلاکت نجات پیدا خواهند کرد (بعضی از نمایندگان - انشاء الله) چرا؟ بجهت گرانی دوا و بی انصافی اطباء و فقر مردم که همه مریض میشوند و دیگر قابل معالجه خودشان را نمیدانند زیرا دیگر چیزی ندارند که بیابند خودشان را معالجه کنند بخصوص دهات بیرون حالا اهل شهر شاید بتوانند کاری بکنند اما اهل بیرون که در سال تمام عایدیشان به صد تومان نمیرسد خودشان ملاحظه بفرمائید که کسی دیگر اینها نمیتواند اگر مریض شدند خودشانرا معالجه کنند باین ملاحظه بنده در صدد بر آمدم که این مریضخانه

ساخته شود و هر چند این عرایض اینجا حمل بر ربا و دکان داری هم بشود بنده بدم نمی آید بلکه خوشم می آید بگذارید مقصود من حاصل شود هر جمله که بر من بشود بد نمیدانم و دلتنگ هم از عاملش نیستم اینجا یک مذاکره شده بود با آقای بیات ما کو ایشان فرموده بودند که من مقروضم و پریشالم نمیتوانم همراهی کنم و بنده هم از ایشان توقمی نداشتم ولی حل یک نظری به بنده کرده بودند و حل بی انصافی به بنده کرده بودند در صورتیکه بنده از ایشان خواهشی نکرده بودم و بنده اسباب زحمت ایشان را فراهم نکرده بودم سایر آقایان هر کدام به میل خود شان یک مبلغی دادند ایشان میل نداشتند بنده هم میل نداشتم که از ایشان چیزی گرفته شود پول ایشان مال خود شان و نسبت بی انصافی به بنده نکنند و اگر اینها بی انصافی باشد بنده در باره خودم بیشتر از همه بی انصافی کرده ام برای اینکه حقوق سه دوره خودم را باینکار داده ام و اضافه از حقوق این سه دوره چیزهای دیگری هم داشته ام و داده ام و کدائی هم کرده ام پس بی انصاف ترین مردم از این حیث در باره خودم هستم و استدعا دارم هر کس که میل دارد بدهد و هر کس میل ندارد ندهد و نگوید اگر هم بگوید دلتنگ نمیشوم ولی این حرف بجهت خودش خوب نیست.

رئیس - بدو عرض کنم که صحبت هائی که خارج از محوطه رسمی میشود انتقادش در محوطه رسمی خوب نیست (صحیح است) و بعلاوه دادن حقوق شخصی بیک امر خیری اختیاری است (فیروز آبادی - حقوق مردم است) و هیچ موجبی کسی را به اعانتی مجبور نمیکند (صحیح است) و خود ایشان بصرافت طبع و با کمال میل این مبلغ را تقدیم کرده اند و ما هم از ایشان راضی هستیم موافقین با مرخصی آقای بیات ما کو قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر دیگر:

خبر مرخصی آقای پور محسن

نماینده محترم آقای پور محسن عراقی تقاضای چهارده

روز مرخصی از تاریخ اول آبانماه ۱۳۰۹ نموده اند کمیسیون با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد. رئیس - مساعدتی که ایشان میبایستی بکنند در خارج کرده اند و میل نداشته اند که در خبر ذکر شود (فیروز آبادی - صحیح است) موافقین با این خبر قیام فرمایند (اغلب بر خاستند) تصویب شد.

[۴ - تصویب خبر راجع به عایدات مدارس فنی و دندانسازی]

رئیس - آقای دکتر طاهری تقاضا کرده اند که خبر کمیسیون بودجه راجع به مدارس دندانسازی مقدم باشد. (صحیح است) ماده واحده قرائت میشود:

ماده واحده - بوزارت مالیه اجازه داده میشود قیمت با اجرت اشیائی را که بمدارس فنی سفارش داده میشود و همچنین حق المعالجه مرضائی که بمدارس دندانسازی و طب مراجعه مینمایند بعایدات بودجه ۱۳۰۹ برده و در حدود عواید مذکوره مبلغی بعنوان اعتبار اتفاقی مدارس فنی بر بودجه ۱۳۰۹ وزارت معارف علاوه و فقط برای خرید مصالح و مواد لازمه جهت انجام مراجعات و سفارشات تأدیه نماید.

رئیس - ماده واحده مطرح است. آقای فیروز آبادی فیروز آبادی - بنده مخالفی که داشتم در ضمن خواندن ماده رفع شد:

رئیس - آقای اعتبار.

اعتبار - موافقم.

بعضی از نمایندگان - مخالفی نیست.

رئیس - رأی میگیریم، بر ورقه و موافقین ورقه سفید خواهند داد. (اخذ و شماره آراء بعمل آمده شصت و پنج ورقه سفید تعداد شد)

رئیس - عده حاضر ۸۳ با کثرت ۶۵ رأی تصویب شد. رئیس - خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع به ممیزی مطرح است. اجازه بفرمائید چون طبع و توزیع شده است خوانده نشود. مذاکره در کلیات است. آقای طلوع طلوع - بنده قبلاً لازم میدانم عرایضی کرده و توضیحاتی بدهم و بعد برسم باصل قضیه اولاً بنده از روزی که این جا بعضی عرایض کرده ام خواستم با آقایان عرض بکنم که البته خودتان مستحضربید که هیچ سوء غرضی در کار نیست و هیچ سوء نیتی نداشتم (صحیح است) و هیچ قصد و مقصودی از نقطه نظر منافع شخصی و یا سایر قسمتهائی که فرض میکنید نبوده و فقط از نقطه نظر علاقہ مندی بوضعیت بنده را وادار کرد که یک عرایضی از نقطه نظر علاقمندی به وضعیت با کمال صمیمیت در مجلس شورای ملی عرض کنم و البته همه آقایان هم یقین دارم که علاقمند هستند برای این که همه آقایان میدانند که ما روزگار های خیلی تیره و نار داشتیم و حقیقه همه ما ها در این جزر و مد ها آن روزگار های تیره و تاریک بسر بردیم و بیک روزگار هائی رسیدیم که مطابق آرزوی ما است و حالا هم علاقمند هستیم که اوضاع و وضعیت حاضر ما علاقه که نمایندگان محترم و سایر علاقه مندانی که در ایران هستند دارند حقیقه اوضاع روز بروز بهتر و بالاخره به سعادت نزدیک تر شویم و در مقابل آن روزگارهای تیره و تاریک ما دیدیم و یکی یکی از آن رفقای آزادیخواهی که در مجلس داریم حتی از مقام ریاست گرفته تا دیگران بهیچوجه من الوجوه هیچ چیز ما را از نقطه نظر وطن پرستی و از نقطه علاقه به مملکت نواز تهدید دیگران ترسیدیم و نه تطمیع دیگران شدیم و در نهایت وطن پرستی مانندیم

اسامی رأی دهندگان - آقایان: کبا نوری - دکتر عظیم - حسنعلی میرزا دولتشاهی - طالشخان - امیر دولتشاهی - حبیبی - شریعت زاده - شریفی - بنگدار - هراز - عراقی - احمد - مصدق جهانشاهی - دهستانی - وثوق - طباطبائی دیا - اعتبار - آقوبان - یاسائی - عبدالحسین خان دیا - محمد آخوند - جلالی - حکمت - روحی - مسعودی - دربانی - فولادوند - مقدم - رحیم زاده - سهرابخان ساکنیان - فهیمی - مولوی - طاهری - بیات ما کو - فزوحی - اسکندری - بزرگ نیا - ملک مدنی - امیر تیمور - خواجوی - مهدوی - اقبال - وهاب زاده - نجومی - لاریجانی - یزدی - طهرانی - اورتک - قاضی نوری - نوبخت - فرمند - زوار - مصباح قاطمی - احتشام زاده - میرزا یانس - شهداد - امیر ابراهیمی - دهستانی - مؤید احمدی - آقا سید کاظم یزدی - ملک آرائی - دکتر لبنان - کازرونی - کنائی



گفته‌اند که چون این مالیات ممیزی نظریه اینک طرز وصولش در مملکت کار مشکلی است این را باید تغییر بدهیم ولی بنده مصادف شدم بایک لایحه که صد مقابل بدتر از آن مالیات ممیزی است ما قدری از اوضاع عمومی این مملکت صحبت بکنیم به بینیم عایدات این مملکت امروز بچه جور است و بعد برویم روی این لایحه که این لایحه چه مضراتی در مملکت دارد اساساً عایدات مملکتی صادرات مملکت است خوشبخت آن ملتی، خوشوقت آن مملکتی که حقیقتاً صادرات داشته باشد هر مملکت، هر ملت که حقیقتاً صادرات داشته باشد آقای فیروز آبادی؛ از واردات نمترسیم (صحیح است) نباید همیشه در مملکت شکایت داشت که چرا اتومبیل وارد می‌شود چرا طیاره وارد می‌شود خیر در مملکت باید فکر صادرات باشیم هر وقتی صادرات خودمان را طوری ترتیب دادیم که در این مملکت صادرات داشته باشیم بگذارید هر وارداتی در این مملکت بیاید ولی متأسفانه امروز صادرات ما از هر حیث نکس دارد ما صادراتی که داشتیم حقیقتاً مورد استفاده ما بود چه بود؟ برنج بود، تریاک بود، قالی بود، خشکبار بود، پنبه بود ابریشم بود، توتون بود حتی مرکبات کیلان و مازندران بالاخره جزء صادرات مملکتی بود که می‌رفت و پولهایی در مملکت می‌آورد ولی امروز برنج که یکی از صادرات مهم مملکت ما است بحال اسفناکی افتاده و سابقاً یک نفر زارع کیلانی یک پوط برنج که عبارت از پنج من و نیم ما باشد میرسد چه می‌آورد؟ قد می‌آورد شکر می‌آورد نفت می‌آورد و برای هر پوط برنج هم سی‌شاهی پول می‌آورد و امروز حاصل دسترنج زارع ما از دستش میرود و برای یک پوط برنج شاید پیش از چند گیروانکه قد نمی‌آورد پس این نقص بسیار بزرگی است از برای صادرات ما. قسمت دوم صادرات مهم ما قالی است که حالا میدانید معایب این قسمت چیست بنده در این مسئله تحقیق کردم و بالاخره یک قسمت مهم صادرات مملکت ما که قالی بود امروز بحال خیلی بدی افتاده است در عراق (سلطان آباد) چندی قبل آقای عراقی بود میفرمودند که از روزی سیصد هزار تومان، چهار صد هزار تومان، پانصد هزار تومان اساساً

و از هیچ تند باد حوادث هم تلفزیدیم پس در این صورت ما علاقمند به این مملکت هستیم و هر عرضیکه بنده میکنم بمقدسات عالم قسم است که از نقطه نظر علاقمندی به مملکت است (اورنگ) — صحیح است. ایوالله) در این صورت باز یک لایحه امروز (بنی دیشب) برای بنده آوردند و بعد از آنکه خواندم مجبور شدم که یک مطالبی را باز هم بنام علاقمندی به این وضعیت و از برای اینکه عقاید خودم را به آقایان عرض کنم امروز در مجلس شورای ملی با حضور آقای تقی زاده که همه ما علاقمند به ایشان هستیم و از ایشان انتظارات خیلی زیادی داریم این عرایض را عرض کنم. با قانون ممیزی بنده شخصاً مخالفم اساساً با این ترتیب وضع مالیات در ایران بنده مخالفم بنده عقیده مندم که به اعاشه مردم نباید مالیات بست مالیات فرع است و اصل چیست؟ اصل عایدات است و مالیات فرع بر عایدات اگر عایدات نباشد مالیات یک چیزی است که اساساً مفهوم خارجی و معنای خارجی و صورت خارجی ندارد اول باید در مملکت عایدات باشد و بعد از آنکه عایدات پیدا شد فرع عایدات را که مالیات باشد از برای تشکیلات خودمان و از برای مخارجی که داریم آنوقت باید وضع کنیم این بود که بنده عقیده مند بودم که باید در این مملکت یک روز مالیات بر عایدات که سایرین هم کرده‌اند وضع شود و البته یک مدتی برای طرز وصول و طرز اداره کردن لازم است و بنده عقیده داشتم که چون ما یک مدتی برای اداره کردنش لازم داشتیم هر چه زودتر که اقدام کنیم بهتر است این بود که عقیده داشتم که حقیقتاً در ایران طرز مالیات اساساً برود روی عایدات و مخصوصاً در عمل هم مصادف شدم بایک بدبختیهائی و بایک بیچارگیهائی که الآن بنده نهایت شرم را دارم که بگویم وضع و ترتیب جریان وصول مالیات امروزه چه جور است بالاخره همه آقایان از وضعیات اطلاع دارند و نمایندگان ایالات و لایات چون در حوزه انتخاب خودشان با مردم تماس دارند آشنا هستند بوضعیت مردم طرز زراعت مردم طرز عملیات مأمورین را همه میدانند و بنده فکر میکردم این قبیل مسائل را آقایان هم دقت کرده‌اند و آمده‌اند و

خرید و فروش قالی میشد ولی حالا یک روز که در آنجا پنج هزار تومان خرید کرده‌اند سایر تجار تلکراف تبریک بانجا نوشته‌اند این وضعیت قالی است اما تبریک (قلم اینجارسید و سر بشکست) مطابق اطلاعاتی که بنده از جنوب ایران دارم و تحقیق کرده‌ام از هر جهت هم بزراع و هم به مالک صدمه وارد شده است که اساساً از زراعتش صرف نظر کرده‌اند چنانچه ما در کیلان از توتون کاری صرف نظر کرده ایم بالاخره این رعایت اخلاقی را بنده نفهمیدم چرا ملت ایران باید قبلاً بشقدم باشد - ایرین هم دارند امروز دولت همسایه ما دولت ترکیه به بینیم که چه معامله با دنیا میکند و ما این جمله اخلاقی را چرا زودتر از همه میخواهیم رعایت کنیم؟! و بالاخره تحسین هم نشنوم و یکی از صادرات مهم مملکت ما اساساً از بین میرود بچه دلیل و بچه مناسبت؟! بالاخره از نقطه نظر رعایت اخلاقی هم باشد دیگران از ما مقدم تر هستند بکنند آنها بکنند ما هم ناسی میکنیم ما هم در مقابل یک چیز هائی که رعایت اخلاقی است و سایرین هم کرده‌اند ما هم کردیم و ما به سایرین باید بگوئیم که شما هم از این فلاحت صرف نظر نکنید بالاخره با این وضعیت باز باید دولت یک فلاحتی را قائم مقام این زراعت را بکند که به زارعین بگوید شما این زراعت را نکنید قاچاق در ایران حقیقه چیز غریبی شده است بنده در کیلان هیچوقت سراغ نداشتم و ندیده بودم که تبریک قاچاق باشد ولی الان هر روز بنده کاغذ دارم که در کیلان اساساً تبریک باندرل دار پیدا نمیشود در خود طهران هم با اینکه مردم را تشویق کرده‌اند کاملاً به قاچاقچی گری و قاچاق گیری (در صورتیکه این تشویق هم خوب نیست) باز غالب تبریک هائی که مصرف میشود قاچاق است این تشویق کردن مردم به قاچاق گیری اساساً خوب نیست و یک روزی برای این مملکت ضرر فوق العاده دارد از قراریکه شنیده‌ام مفتشینی که هر سه ماه یک قاچاق یا دو قاچاق کشف نکنند اساساً بیرونش میکنند یک اطلاعی اینطور چند روز قبل به بنده دادند که یک دختری را پرت

داده است که پدر من چهار منقل تبریک قاچاق دارد این حقیقه خیلی بد است و تأسف دارد این وضعیت واقعا صلاح نیست و بالاخره وضعیت تبریک امروز بیک حالی افتاده است که اساساً نه مورد استفاده دولت است و نه مورد استفاده زارعین و در داخله ایران هم تبریک قاچاق مصرف می‌شود تبریک با باندرل من خواهش میکنم یکی از آقایان تشریف ببرید به بینند که چقدر در ایران مصرف میشود همه تبریک بی باندرل مصرف میکنند و استفاده هم میکنند و بنده اطلاعاتی که دارم چون تبریک ایران خوشوقتانه بازار دارد و بازاریش مرغوب است اساساً دیگران تبریک خودشان را پلاک ایران میزنند و میبرند در خارجه میفروشند اگر با این ترتیب ما حساب کنیم از نقطه نظر عایدات مملکتی و از نظر استفاده خود دولت که اساساً کم شده که اگر همین وضعیت بگذرد سال دیگر ابدأ تبریک کاری نخواهد بود همینطور توتون کاری هر چه فریاد کردیم که آقایان ما نیکوئیم مالیات نگیرید بنده موافقم و باید مالیات گرفت ولی طرز مالیات را یک طوری قرار بدهید که اساس قضیه از بین نرود شما از یک من توتون سه تومان مالیات بگیرد ولی طرز و جریان عمل طوری شده است که کیلان بخصوص که هشتصد هزار من توتون میداد الان آمده است رسیده است به چهار صد هزار من البته آن ارقام مالیات را هر کس که نگاه میکند می بیند هفتصد هزار تومان عایدات است ولی باید یک نظری هم بزراعت کرد تحقیق کنید که فلاحین توتون در کیلان بچه وضعیتی هستند که آقایان اطلاع دارند و قطع دارم چنانچه امروز در مدت این دو سال که آمده است از هشتصد هزار من به چهار صد هزار من سال دیگر می‌آید به دو صد هزار من و بالاخره از بین خواهد رفت و یک قسمت عایدات خیلی خوب ما که میتوانیم حقیقه در بازار دنیا ببریم و با تجارت سایرین هم رقابت کند از دست میرود این صلاح این مملکت نیست ما برای این مملکت باید بهر اندازه که بشود وسائل عایدات و صادرات را فراهم



کنیم که اول عایدات بمردم نشان بدهیم و بعد از مردم مالیات بگیریم نه این که صرف مالیات باشد نه این که مردم هر چه دارند بگیریم مثل بلدیها که الان بلدیها در طهران و سایر جاها هر روز مالیات وضع میکنند و در طهران انجمن بلدیها سر مشق شده است برای ایالات و ولایات آمده اند و میگویند که ما انجمن هستیم و اختیار هم داریم و اختیارات قانونی داریم در طهران چرا بگیرند ما بگیریم آنوقت مثل طهران از انو و بیل از بنزین از نفت حتی زرورغن که ارزاق عمومی است از قهوه خانه هائی که مردم خسته میشوند میروند آنجا يك چای بخورند مالیات میگیرند این مالیات برای این ملت که همه از وضعیت آنها اطلاع داریم و فریاد آنها باسماں میروند زیاد است من از فقر صحبت نمیکنم ملت ایران گدائست ولي وسائل تولید در دستش نیست و وسائلی که بتواند تولید ثروت بکند نیست ما باید اول ثروت برای ملت فراهم کنیم بعد از مردم پول بگیریم شما از يك کسی که آمده است در این قهوه خانه يك پول داده است و يك چای خورده است مالیات میگیرند ( یعنی بلدیها میگیرند) این يك تضيیقاتی است که حقیقه اجبار میشود و سربار مردم میشود این از نقطه نظر صلاح مملکت خوب نیست و فایده ندارد البته میدانم که همه علاقمند بمملکت هستند این کار صلاح این مملکت نیست باید صادرات این مملکت را زیاد کرد اما واردات و واردات همان واردات سابق است و با این ترتیب اسعار خارجی که البته بنده در این موضوع اطلاعات فنی ندارم شاید حق با رئیس بانک باشد که از نقطه نظر گرانی پول آمده اند اسعار خارجی را محدود کرده اند و يك لایحه آوردند که بنده تا حال نفهمیدم این لایحه چه چیز است عایدات ما همانطور و واردات ما دو مقابل سابق قیمت پیدا کرده ...

رئیس .. آقای طلوع رعایت موضوع را بفرمائید  
**طلوع** .. استدعا میکنم اجازه بفرمائید واردات ما دو مقابل قیمت پیدا کرده حالا البته خود آقای فیروزآبادی میدانند که وضعیت ما تا اندازه متوسط است که ما حد

اقل زندگی را ملاحظه میکنیم و حداقل زندگی را رعایت میکنیم ولی همان ترتیب هم که میخواهیم زندگی کنیم باز دورتر باید بدهیم پرپر روز شنیدیم که يك کسی میگفت که این چیزی را که آلوده میگویند چرا کران شده مرد که گفت اسعار خارجی است حق هم دارد چرا ؟ برای اینکه آن بیچاره هم باید پول دوا بدهد او هم ناخوش میشود میروند پیش دکتر گنه گنه که باو میدهد باید دو برابر بخرد همینطور که آقای آقا سید یعقوب فرمودند نسخه کنین میدهد با آن گرانی آن بیچاره چه بکند البته او هم باید سه مقابل پول بدهد چه بکند اینهم از نقطه نظر واردات است که ما نقد را باید پول بدهیم نفت را پول بدهیم همه چیز را پول بدهیم و تمام چیزهای خودمان و زندگی خودمان را از واردات باید با دو مقابل قیمت تهیه کنیم . این يك موضوعی است که بنده میخواستم عرض کنم بدبختی هائی است که ما الان دچار هستیم . آمدیم سر مالیات اول ما تازه شش هفت ماه است آقای تقی زاده : که از دست مالیات و از دست ممیزی خلاص شدیم از روزی که قانون گذشت تا ششماه قبل تمام آقایان نمایندگان محترم ایالات کاغذ داشتند شکایت کردند بالاخره هر چه شد صحیح با ناصحیح نازه ششماه است که ما راحت شدیم و حق یا ناحق حالا يك کاری است در مملکت کرده اند بالاخره مردمان ترتیب عادت کرده اند این قضیه الان یادم آمد در همان موقعی که ممیزی کردند جاها یکبه زیاد ممیزی کردند ترتیب ممیزی جدید مالیات گرفتند مخصوصاً یکی از آنجاها گیلان بود گیلان در زمان مشیر السلطنه که آمده بودند برای گرفتن مالیات يك ترتیبی برای مالیات معین شد بعد که آمدند ممیزی کردند دو مقابل آن اضافه شد جاهای دیگر را که حقیقه اجحاف شده بود آمدند ممیزی کردند در بدآن مقدار نباید مالیات بدهد بعد آمدند گفتند که ما نمیتوانیم آنجا را مطابق قانون ممیزی مالیات بگیریم گفتند چرا ؟ معلوم نیست مخصوصاً آقای باسائی در این موضوع مکرر صحبت کردند و توضیحاتی خواستند ولی جواب داده نشد همین طور که الان معمول است سؤالاتی که میشود در لایحه

ممیزی و اینجا اساساً جواب صحیحی داده نمیشود جز يك کلیانی در هر صورت این لایحه ممیزی را بنده عقیده داشتم آقای تقی زاده وقتی که تشریف آوردند با آن انتظاراتی که ما از آقای تقی زاده داشتیم این لایحه ممیزی را ایشان ملغی میگردند و يك لایحه حسابی می آوردند که بنده هر چه ملاحظه میکنم می بینم لازم نبود و احتیاج نداشتم که يك همچو لایحه بیاورند همان قانون ممیزی حق بانا حق در مملکت جریان پیدا کرده بود مأمورین مالیه و امنای مالیه و پیشکاران مالیه و مردم عادت باین طرز مالیات کرده بودند حالا دوباره بیائیم آن قانون را ملغی کنیم چه شده است چه معايبی داشته است که ما مجدداً بیائیم علاج فاسد بده افسد بکنیم و این لایحه اساساً در مملکت ایران از برای زارع از برای مالک اسباب زحمت است و قابل اجرا نیست و اگر املاک مردم مصادره میشد بعقیده بنده بهتر بود . این عرایض بنده است که الان عرض میکنم و استدعا میکنم از آقایان نمایندگان ایالات و ولایات در این موضوع علاقمندی بخرج بدهند بنده عرض نمیکنم مالیات نگیرند ده مقابل هم بگیرند ولی بالاخره يك طوری باشد که صلاح ملت ایران باشد و در حدود استطاعت مردم باشد مردم پول داشته باشند که بشما بدهند از يك جای خراب اساساً مالیات گرفتن مورد ندارد . اینجا شروع میکنیم در اصل خود لایحه نرخ تسعیر برای تعیین اساس این تبدیل مطابق نرخ آزاد بتوسط جنس در شصت ماهه اخیر بدون آفت در محل معین خواهد شد برای تعیین نرخ متوسط جنس در هر يك از ولایات جزء کمیسیونى بشرح ذیل تشکیل خواهد کردید

( حاکم یا نماینده او رئیس مالیه یا نماینده او بلدیها دو نفر مالک از معتمدین محل و يك نفر تاجر غله که با توافق نظر حاکم و رئیس مالیه معین میشوند ) اساساً این طور کمیسیون که سه نفر خودشان باشد دو نفر از ماسرف مالک باشد البته همیشه اقلیت مطیع اکثریت است هر چه اکثریت سه نفر رأی بدهد آن

دو نفر هر چه فریاد کنند مؤثر واقع نمیشود کجا فریاد بزنند نظم بکنند کی دادرسى میکند ؟ اساساً مؤثر نیست بعلاوه ماده دوم مینویسد : ( مالیات های مستقیم در هر سالی در شش قسط ماهانه متساوی اخذ خواهد شد و عموم مؤدبان مالیات مکلف میباشدند که مالیات خود را در رأس اقساط مقرره بدون انتظار مطالبه بمالیه محل یا بوزارت مالیه بپردازند ولی هر مؤدى حق دارد که مالیات خود را قبل از مواعید مقرره يك جا و یا در مدت کمتری بپردازد ) اولاً اصل وصول مالیات در مملکت فرق میکند مثلاً گیلان يك ترتیب مالیات دارد شیراز يك طور اصفهان يك طور و شش ماه که این جا معین کرده اند اساساً محصول ما چند قسم است و به بینید محصول ما چه وقت دست میرسد تا مالیات بگیرند این شش ماهی را که شما در یکسال دوازده ماه تعیین کرده اید حاصل مادست نمی آید که ما بشما مالیات بدهیم ما مالیات را وقتی بشما میدهیم که محصول برداریم و عایدات داشته باشیم تا بشما مالیات بدهیم این را باید تشخیص بدهیم که مالیات در چه زمانی و در چه فصلی وصول میشود بعد مطابق آن مالیات قرار بدهند بعلاوه این جا قراردادها اند که اقساط شش ماهه مینویسد ( تاریخ شروع بتأدیبه مالیات به تناسب مقتضیات هر محل از طرف وزارت مالیه معین خواهد شد اخذ کنندگان مالیات مکلف میباشدند در مقابل دریافت وجه قبض رسمی صادر و بمؤدى تسلیم نمایند ) اساساً موضوع دیگری هم هست هنوز قوانین مصوبه مجلس شورای ملی از ادوار گذشته تا امروز در دسترس ملت ایران نیست هر کدام از ما میخواهیم نمیتوانیم تهیه کنیم بنده خواستم قانون مصوبه اینست آقای داور را پیدا کنیم بمجلس نوشتم موفق نشدم بالاخره رفته بوزارت عدلیه آنجا هم مدتی زحمت کشیدم و یکمقداری جمع کردم بالاخره هم ناقص است قانون در دسترس مانیست مردم از کجا بدانند که چه وقت باید مالیاتشان را بدهند چه وقت اگر ندهند باید جریمه شوند این بعقیده بنده تمام مردم را گرفتار خواهد کرد چون از قوانین اطلاع

ندارند و قوانین هم در دسترسشان نیست آنهایی که سواد ندارند هیچ آنهایی هم که سواد دارند نمیتوانند قوانین را مراجعه کنند چون قانون در دسترس آنها نیست مدت را نمیدانند همیشه يك کشمکش بین مؤدیان مالیات و امنای مالیه هست که چون شما در موعد مقرر مطابق مرقانون رفتار نکرده اید باید جریمه بدهید جریمه هم که این جا نوشته است و همانطور که عرض کردم قانون در دسترس مردم نیست. آمدم سر جریمه سی روز تأخیر نیم عشر اضافه بعد آمدم شصت روز تأخیر يك عشر اضافه که باید جریمه بدهد نود روز يك عشر و نیم اضافه صد و بیست روز تأخیر دو عشر اضافه و بالاخر يك جای دیگر دارد که در یکی از مواد خواندم اگر بخواهد استنکاف کند مالیه حق داشته باشد. ملک بنده را بفروشد و برود و بگوید شما مسامحه کردید در تأدیه مالیات این چیز غریبی میشود. آقا من نفهمیدم نمیدانم گناهکار که نبودم از قوانین جاریه مطلع نبودم آیا گناه بنده این است که مالیه ملک بنده را بفروشد (احتشام زاده بدهد تا بفروشد) بله اگر خودشان اداره کنند بهتر از این لایحه است این قابل تحمل نیست این را شما برای ملت ایران و برای اینهایی که ما میدانیم و در عمل دچار هستیم میخواهید اجرا کنید این ظلم است این بی انصافی است. بله ماده چهارم - کلیه مالکین و نمایندگان آنها مکلفند که شصت روز بعد از تصویب این قانون منتهی در ظرف سه ماه اطلاعات ذیل را کتباً با اداره مالیه محل و یا نماینده آن تسلیم نمایند اسم ملک و ولایتی که در آن واقع است. اسم یا اسامی مالکین - میزان متوسط انواع محصول ملک بر طبق عمل کرد ملک در سه سال از سالهای اخیر بدون آفت - عواید نقدی و جنسی مالک در سال عادی بدون آفت عده جفت گاو و با عوامل متشابه تناسب تقسیم محصول بین مالک و رعیت الی آخر بنده نمی دانم این چطور عملی میشود آقای طالش خان میدانند بگوفتی در کیلان ما خواستیم در سال میزان عایدات مالک و زارع را معین کنیم و سهم این ها را معلوم کنیم که

چقدر زارع میبرد چقدر ارباب رسم این بود که دو سهم میبرد يك سهم مالک. اما عمل چه بود عمل خود آقا میدانند غیر از این بود برای خاطر اینکه مالک را رعایت حال زارع از هر حیث که بپول میدهند گاو میدهند در هر حال رعایت حال زارع را میکنند ولی در يك زمینی که زارع باید بیست پوط بگیرد نمیگردد بنده رفتم مالیه کیلان بمن گفتند شما باید جریمه بشوید من نفهمیدم يك چیزی را که من نمیتوانم معین کنم و نمیدانم باید هم جریمه بشوم و هم ملک من در معرض فروش واقع شود و ازین برود این يك عملیاتی است که خود آقایان هم در هر جایی میدانند که تشخیص این موضوع کار سهل و آسانی نیست این نمیشود عایدات هر ملک را اساساً با اندازه وسع خودش است املاکی هست که با اندازه که باید عایدی بدهد نمیدهد چه بکنیم الان ما اراضی داریم در کیلان در قسمت برنج که جریبی شش پوط هم محصول نمیدهد ولی جایی هم داریم که البته بیست پوط هم میدهد مثلاً همین ورز زاده که آقای طالش خان میدانند که هفت سال هشت سال نه سال ابداً مالک استفاده مالکی از آنجا نمیکند همه میروند پی کارش حالا اگر بخواهد مسامحه کند مالک باید جریمه بشود این بعقبه بنده اساساً خوب نیست ماده پنج اینقانون مینویسد: در صورت تخلف مکلفین بدادن اظهار نامه از انجام مقررات ماده فوق تا زمان وصول اطلاعات مزبوره از طرف اشخاصیکه مطابق این قانون عهده دار دادن آنها میباشد علاوه بر مالیات معموله ملک معادل مالیات مزبوره اضافه مالیات اخذ خواهد شد. بنده از این چیزی نفهمیدم (دشتی - عبارت ناسلیس است) بله بنده هر چه فکر میکنم از این عبارت چیزی نفهمیدم که اضافه مالیات میگیرند یعنی چه؟ من چه گناهی کرده ام که يك جا جریمه میگیرند يك جا عشر و نیم عشر ده عشر و صد عشر (ملک آرائی - اظهار نامه) اظهار نامه؟ اضافه مالیات هم باید بدهم. اگر این را هم توضیح بدهند بنده خوشوقت میشوم چون از این ماده چیزی نفهمیدم. در ماده شش مینویسد: در صورتیکه

میزان محصول املاک و یا عایدات مالکین آنها که در اظهار نامه هادرج شده مورد تردید مامورین مالیه واقع شود تشخیص عایدات حقیقی بتصدیق خبره مرضی الطرفین با دو خبره از طرف طرفین بعمل خواهد آمد و چنانچه بین خبره ها توافق حاصل نشد پنج نفر خبره از معتمدین محل از طرف اداره مالیه پیشنهاد و مالک یکی از آنها را انتخاب خواهد نمود و رای سه نفر خبره مزبور با کثرت قاطع خواهد بود در صورتیکه دهند اظهار نامه در تعیین خبره بیش از يك هفته پس از تقاضای اداره مالیه مسامحه کند خود اداره مالیه اقدام به تشخیص عواید حقیقی و ملک مالک خواهد نمود و در اینصورت مخارج مامورین اعزامی از طرف مالیه از اظهار نامه دهنده اخذ خواهد شد. این اظهار نامه را که زارع و مالک میدهد حالا هم که قانون میزی جبری است بکنفر که برای دو هزار مالیات میروند که وصول کنند سه تومان از زارع و مالک بدبخت میگیرند این محل تردید نیست اساساً این کار را میکنند چرا بچه مناسبت اگر مورد تردید واقع شود! چرا اگر من آمدم يك مسامحه کردم علاوه بر يك مبلغی که جریمه معین کرده اند دیگر مخارج مامورین اعزامی را در قانون ذکر میکنند این را از قانون بردارید عمل را که اینطور میکنند دیگر افلا بگذارید قانونی نباشد. فلان تحصیلدار مالیه که در فلان کوه پایه مردم را میچسباید دیگر ماده قانون در دست نداشته باشد که بگوید من مطابق این قانون اینکار را میکنم. حدی هم که مالیه معین نکرده هر چه میلش است مامور مالیه عمل میکند بنده نمیخواهم عرض کنم البته دولت هم زحمت میکشد که جلوگیری از این کارها بشود ولی خوب متأسفانه جلوگیری نمیشود در آن کوه پایه که نه بنده خبر دارم نه آقای تقی زاده خبر دارند نه آقایان نمایندگان محترم خبر دارند این ماده قانون را بر میدارد میگوید باید بیست تومان بمن بدهی دیگر آن خورده مالک برای خاطر بیست تومان نمیتواند بیاید طهران و دنبال کند و شکایت

کند برای اینکه میدانند بیاید اینجا متضرر میشود و در شهرها سرگردان میشود بالاخره کسی هم بعراض و شکایت او ترتیب اثر نمیدهد این بعقبه بنده اساساً خوب نیست. يك قضیه اتفاق افتاده که خواستم عرض کنم اگر چه خیلی مهذرت میخواهم که وقت مجلس را زیاد اشغال کردم. بکنفر از همین مامورین در ورامین بود نمیدانم کجا گفته بود بمباشر که رعیت ها را حاضر کنید من صبح کار واجبی دارم که خیلی اهمیت دارد گفتند خیلی خوب فرستاد مباشر کدخدا آن کسیکه مسئول این کار است تمام رعیت ها را آورد آنوقت آن مأمور گفت که بنده يك حکمی دارم از طهران و برای ارائه دادن این حکم يك مبلغی لازمست نشستند و برای ارائه دادن حکم يك مبلغی گرفت و شب هم کدخدا از او پذیرائی کرد بعد گفت اطفال را بیاورید من آبله بگویم این ها معایبی است که ما در عمل دچار میشویم حالا چطور بمأمور بگویم آقای مأمور هم خیلی ضعیف است پانزده تومان هم بیشتر حقوق ندارند اگر منتظر خدمت هم بشود می آید در خانه نمایندگان مجلس یا آقایان وزراء که من عائله ام از کرسنگی میمیرد اینها معایبی است که ما در عمل دچار میشویم با وجود این ترتیبات با این لوایح و قوانین بیشتر ما مامورین را تشویق میکنیم و میروند اسباب زحمت مردم میشوند بنده استدعا میکنم از آقای تقی زاده که موافقت بکنند این لایحه را پس بگیرند و بنده هم عرض میکنم با اینکه علاقه مند هستم که لایحه مالیات بر عایدات بمجلس بیاید به بینید صلاح ملت ایران را در نظر بگیرید شما که همیشه لیدر آزادیخواهان بوده اید شما که بالاخره با این مردم بزرگ شده اید و بالاخره مردم این مملکت را می شناسید شما باید حوائج مردم را تشخیص بدهید شما با وجود اوضاع اداری ما با تشکیلات عریض و طویل که آقای دشتی هم يك شرحی در روز نامه نوشته بودند در وزارت اقتصاد هست از آقایان میپرسم کدام قسمت فلاحت و زراعت ما در این مملکت تغییر کرده همان زراعت عهد عتیق چند قرن را ما داریم بدون اینکه يك قدمی برداریم



بنده هم زیاد اصرار نمیکنم که مالیات نگیرد اول عایدات را مرتب کنید اما راضی نشوید که این لایحه باین شکل دست مأمورین شما بیفتد این صلاح ملت و مملکت ایران نیست خیلی معذرت میخواهم که زیاد هم صحبت کردم.

**وزیر مالیه** - پیش از همه چیز باید عرض کنم که این لایحه را پس نخواهم گرفت و دولت لازم میداند که اصرار بکند که اگر همه قوانینی که در مجلس هستند عقب بماند این لایحه در همین دوره مجلس تمام بشود و بگذرد این را لازم دانستم برای رفع سوء تفاهم عرض کرده باشم که این لایحه را ما مقدم بر همه لوایح میدانیم. مذاکرانی که آقا فرمودند يك مقدار بیانات و نطقهایی بود که بنظر من اطراف کار بود و ربطی به متن مطلب ندارد و لازم نیست که بنده در باب اسعار خارجه و نریاک و مالیات بر عایدات و اوضاع مملکت و اینها جواب عرض کنم. برای مملکت مخارجی موجود است و برای مخارج هم مالیات لازم است که خود اهل مملکت بدهند این يك اساسی است که هیچکس نمیتواند منکر باشد و اشخاصی را که ملت انتخاب میکند برای اینکه در امور سیاسی و اداری مملکت با دولت شرکت کند قصدشان این نیست که يك دولت مردم خواری هست که حمله میکند ب مردم که آنها مدافع آنها هستند در مقابل دولت آنها هم جزء دولت هستند وقتی که ممالک خارجه اتا میگویند و ما دولت میگوئیم یعنی مجلس شورای ملی و قوه اجرائیه باهم اینها خودشان منافع دولت را باید در نظر داشته منافع مملکت را در نظر بگیرند و نهیه نظمی نهیه قشون طرق شوسه نهیه امور اقتصادی پست و تلگراف و اینها بکنند برای مملکت. در مواردی که بودجهها بمجلس می آید در مواردیکه لوایح بمجلس می آید در موارد دیگر از اول سال تا آخر سال منتخب هر ناحیه در ابرقو تلگرافخانه میخواهد در جندق راه شوسه میخواهد در هر قصبه کوچکی دستگاه چراغ الکتریک میخواهد و اگر یکی عقب بماند میگویند که اینجا چه گناهی کرده است مردم اینجا مگر مالیات

نمیدهند همه مؤسسات جدید و قدیمه دولتی را در آن جا میخواهیم ولی وقتی مسئله مالیات در میان می آید هر مالیاتی را که دولت پیشنهاد بکند آن مالیات دیگری را که پیشنهاد نکرده است میگویند آن بهتر بوده است الا آن مسئله ممیزی جدید نیست و پیشنهاد مالیات جدید نیست که آقا میفرمایند مالیات میخواهیم بگذاریم بلکه تسهیلات کلی است برای مالکین و زارعین در ادای مالیات خودشان. مالیات قدیمی دینی است از برای مردم مملکت مثل همه دیون دیگری که شما از بازار چیزی خریده باشید و پولش را نداده باشید دین عقلی شرعی و عرفی هر کس است برای مخارج مملکت خودش برای نگاهداری استقلال مملکت خودش در مقابل خارجه برای نگاهداری نظم و امنیت در داخله باید بدهد و هر کسی هم يك دین خونی دارد که از خون خودش باید بدهد آن را هم در ممالک خارجه می گویند مالیات خون آن راهم هر کس باید سرباز بشود در راه مملکت و بدهد و هر کس را شما بخواهید در این مملکت سرباز بکنید بدون استثناء تمام افرادشان ولی اگر بخواهیم بگوئیم بدون استثناء نمی شود چون يك استثنائات با افتخار و با شرف هم دیده شده است در بعضی جاها اما اکثریتشان میخواهند تمام وسائل ممکنه عقلی از آن فرار کنند و از هر کسی هم که میخواهی مالیات بگیرد حتی الامکان میخواهد ندهد ولی بالاخره باید مالیات دولت وصول شود و مخارج اداره مملکت تأمین شود و اگر من بجای آقا بودم این همه بمالیات ایراد نمی کردم عقیده شخص خودم این است که نمایندگان ملت بیشتر در صد نود و هشتاد برای مخارج این مالیاتی که جمع می شود صرف شود که راه صحیح مصرف شود برای آنکه از همه مفید تر است و عایدات می آورد و ثروت مملکت را ترقی میدهد نظم و ترتیب را در مملکت توسعه میدهد اذنان مردم را نورانی میکند این چیزها صرف شود و الا این که مالیات جمع نشود این پیشنهاد خوبی نیست (طلوع) من نکتم مالیات نباشد و جمع نشود) بلکه گفته میشود که این جا يك دولتی فرض کنند که مأمورین دولت میخواهند مال مردم را ببرند و مخارج خودشان را تحمیل بر مردم بکنند و در مقابل يك جماعتی ما میخواهیم اینها را بگذاریم که هیچ اینها نمیخواهند مال دولت را بخورند و اگر دولت بی شان نمی آمد خودشان می آمدند و هیچ نمیخواستند در ممیزی گول بزنند و مال دولت را بوسایل ممکنه نگاه بدارند و از بین ببرند. این طور نیست همه ما ما اهل يك مملکت هستیم اگر در میان مأمورین دولت يك مردمانی هستند و همه وقت بوده اند که نا صحیح بوده اند و انشاء الله روز بروز کم میشوند و در تمام ممالک هم هستند وقتی دولت قدرت بهش میدهد که قدرتش را در راه صحیح اعمال کند گاهی هم در راه نا صحیح اجرا میکند از آن طرف هم مردمانی هستند که میخواهند حتی الامکان اجرائیات صحیحه دولت اجرا نشود از آن جمله مالیات است حالا ببینیم چه مالیات جدیدی این ابن جا آورده ایم و چه تحمیل تازه میخواهیم بکنیم قانون ممیزی قدیم را آفایان کاملاً میدانند که اجرا شده شروع با اجرا کرده اند بمدد دولت ملت شد که برای اجرای صحیح ممیزی داشتن يك عده ممیزین صحیح العمل لازم است و این فعلاً بدبختانه باید اقرار بکنیم که اسبابش فراهم نیست رفتن ممیز بيگ محلي یا اخذ مالیات جزو جمع بتوسط تحصیلدار این هر دو مستلزم این است که يك مامور دولت برود سر محل و ما که اینجا يك قانونی آوردیم که میخواهیم مالکین و زارعین را راحت کنیم که هیچوقت مامور دولت سر وقت آنها نرود. این راضی مانده تر از اولی تصور میکنید؟! در صورتیکه خود مردم خواهند اظهار کرد که چقدر باید مالیات بدهند خودشان تشخیص بدهند و برطبق آنچه اظهار کرده اند بر آنها مالیات استه خواهد شد و اگر دولت تردیدی داشته باشد بتوسط خبره های مرضی الطرفین قضیه قطع خواهد شد. و بعد هم در آینده خودشان مالیات را خواهند آورد بامین مالیه خواهند داد این يك قدمی است که بمقتضای بنده بطرف عدالت برداشته شده است بالاخره از

يك نفر که میخواهد مالیات وصول کند باید بتحصیلدار مخارج بدهد برود مالیات را وصول کند و بقول ایشان وقتی که رفتند آنجا يك مخارج ما اتزل الله هم از مردم میخواهند این جلو گیری شده است و اگر بخواهند آسوده باشند باید مثل ممالک دیگر منظم شود و وسیله منظم شدن این است که مردم خودشان ببینند دین خودشان را ادا کنند حالا ما اینجا دو کار داریم یکی این است که میخواهیم دین این مردم را که مسلماً باید در مخارج عمومی شرکت بکنند و تادیه کنند و برعهده بگیرند تعیین کنیم که چیست و ترتیب ادای آنرا معین کنیم و هر دوره بيگ ترتیب عادلانه معین کنیم ترتیب دین مردم را. البته وقتی که اظهارنامه را خودشان تشخیص بدهند تصدیق میکنم خیلی ارفاقش بیشتر است تا ممیز سرش بفرستیم که با آن ممیز بسازد دولت را گول بزند یا این که نسازد و ممیز باو اجحاف کند و دو برابر ارزش مالیات بگیرد در صورتیکه ممیز صحیح العمل نباشد یکی از این دو اتفاق می افتد یا این است که با او نمیسازد و دو برابر مالیات حقیقی باو تحمیل میکند و ارزش میگیرد یا میسازد و دولت را گول میزند در صورتیکه وجداناً میدانیم البته برای ما خجالت آور است گفتن این را ولی هر کسی وجداناً میدانند که ما از در ممیزی که وزارت مالیه بخواهد با طرف بفرستد از هزار نفر نصد نفرشان را نمیتواند آن آدمی که یعنی غیر قابل ارتشاء باشد و صحیح العمل باشد و وجداناً خوب باشد و میان خود و خدا کاربرد نکند ما نمیتوانیم پیدا کنیم فرستادیم ممیزین که ممیزی کنند بعضی جاها خوب ممیزی کردند طرفین راضی شدند و بعد کشف کردیم که خلاف کردند يك جاهائی هست مالکین خودشان ایراد دارند يك جاهائی دیگر هست که دولت خودش کشف کرده است که کلاهش را برداشته اند مثلاً مهمان مالک بشود چهار هزار تومان بدهیش را به هزار تومان برساند و هزار تومان را هم صلح کند صد تومان و بگیرند ولی بالاخره باید اگر کسی مالیاتش را ندهد از او بگیرند



و اگر ندهد همه مجازات و جریمه هائی که برای کسی که دین خودش را ادا نمیکند حتی حبس باید او را حبس کنند و از او بگیرند و اگر امسال ندهد سال آینده بدهد و اگر سال آینده ندهد باید بقایایش را بدهد چون این دینی است که بر او تعلق دارد و این را باید به وسیله که هست از او بگیریم در صورتیکه بخواهیم بگیریم حالا بعضی از آقایان يك دسته از آقایان ارفاق ها دلسوزها میکنند که خوبست اول قانون نوشته شود که فلاں آدم مالیاتش را بدهد و اول برای تعیین مالیات خوبست از خودش بپرسند و برادرش را هم حکم بکنند بعد هم که معین شد بار اخطار کنند که بیا آن مالیات را بده اگر آتراه نداد خوب نداده است باز يك اخطار دیگری هم باو بکنیم خوب اینطور که مالیات مملکت وصول نمیشود (طلوع - بنده نگفتم که مالیات نگیرند بی لطفی میکنند) این دین مردم است برای اداره عموم مملکت این دین را باید ادا بکنند اگر ادا نکنند باید جریمه بدهد اگر جریمه را هم ندهند باید ملکش را توقیف کرد اگر نداد حبسش هم باید کرد این مردم هنوز تصور میکنند که دولت ظلمه است و اساساً نباید از مردم چیزی بگیرد و اگر هم نمیدانند چرا جریمه اش میکنند چرا مالش را میفروشند. اگر اصل مطلب را شما قبول دارید دیگر باقی صحبت ها بکلی زیادی است اگر شما ها قبول دارید که يك کسی کار ناحق را نباید بکند یا فلاں کار را نباید بکند یا یکی نباید سر باز بشود اگر در ته دل خود این را ناحق صرف می دانید آنوقت بهتر وسیله هست باید از سر فرار کرد و اگر کبر آمد و خواستند دو روز حبسش بکنند بگویند خوبست دو ساعت بشود هم باید تخفیف بدهند ولی اگر حق میدانند و عدالت میدانند که باید مردم مالیات بدهند و این حقی است از برای حفظ نظم و استقلال نظم و حفظ مملکت اسلام در اینصورت دیگر نباید بگویند که اگر ندادده روز زیاد است دوروز کنیم جریمه اش

را صدی دو است صدی يك بکنیم چون زیاد است این آخر ندارد مالیات را به ترتیب که هست باید وصول کرد فقط اساسش را معین کنیم که عادلانه باشد ما چکار کردیم. ایشان گفتند که نباید يك همچو لایحه بمجلس بیاورند اولاً این لایحه را بنده بمجلس بیاوردم قبل از بنده آورده اند و بنده آمدم اگر باشخص سرکار نشستیم با سایر آقایان نمایندگان نشستیم مشاوره کردم (صحیح است) و هر کس هر چه گفت تا هر اندازه که ممکن بود قبول کردم هر اصلاحیه که کردند قبول کردم هر کس يك اشاره کرد يك اصلاحی کرد تصحیحی کرد بنده حتی الامکان قبول کردم بنده و آقایان اعضاء کمسیون ماله بالاتفاق قبول کردیم اولاً خبره مرضی الطرفین نبود ما گفتیم خبره باشد بعد گفتند خبره را تنها دست دولت ندهند اگر چه مطلب تنها حاکمیت دولت است بعد گفتیم انتخاب از طرف دولت باشد گفتند انتخاب از طرف خود مالک باشد گفتند يك عشر زیاد است نیم عشر بدهند بنده قبول کردم گفتند برای این که وقتی که مالش را توقیف کردند شاید مالش را بیک قیمت نازلی بفروشند خوبست يك کسی حاضر باشد و روی اصول مزایده باشد بنده قبول کردم اگر از روی اصول عدالت و روی حق بخواهند که مالیات دولت وصول شود هر اصلاح عادلانه که بفرمائید بنده حرفی ندارم بفرمائید این باید بشود! اگر عقیدتان این است که اصلاً مالیات خوب نیست ...

**طلوع** - آقا بنده کی همچو حرفی زدم آقای تقی زاده چرا همچو نسبتی بمن میدهید من کی گفتم مالیات ندهند

**وزیر ماله** - چرا گفتید که مالیات بمیزی را اصلاً عقیده ندارم و مالیات بر عایدات باید باشد بنده عرض میکنم اگر اساساً شما میفرمودید این مالیات! مالیات زراعتی و مالیات زمینی اصلاً خوب نیست آنوقت بنده هیچ مباحثه در این باب ندارم که ماه اول نیم عشر بعد یکمشر بعد دو عشر باشد اصلاً این مباحثه ندارد اگر میخواهید مالیات بر عایدات مثل اینکه در انگلستان برقرار شده است اگر ممکن است همچو چیزی در این

ملکیت بر قرار کرد آنجا هم اگر اینکار را کردند این مالیات را حذف نکردند آنها همست اینهم هست این مسئله دیگر است اما اگر میخواهید این مالیات را قبول کنید و این لایحه را اصلاح کنید که مطابق حق و عدالت هم مالک و هم زارع راحت باشند باید پیشنهادی باشد که ما بفهمیم کجایش عیب دارد با پنجاه نفر از آقایان مشورت کردیم رأی تمامشانرا گرفتیم در کمسیون ماله نشستیم چند ساعت صحبت کردیم و بالاخره معتقد شدیم که این مالیات باین ترتیب باید برقرار شود هر پیشنهادی که میگردند بنده قبول کردم مگر الان مردم راحت هستند مگر آنجاها یکم میزی شده مردم راحت هستند بالاخره دولت معتقد شده که این میزی در ده هشت قسمش مانده است بالاخره یا مالک یا زارع یا فقیر بوده اند یا نمیدهند مالیات باید پایه اش روی يك چیز صحیح گذارده شود چه پایه بهتر از این تصور میکنید که از خود مردم سؤال کنند که عایدی تو چقدر میشود و محصول شما چیست اگر خود او گفت و ما قبول نکردیم باز رجوع میکنیم بحکم خودش که انتخاب کرده اگر از این بهتر راهی میدانید پس بفرمائید که خودش بگوید و برادرش هم تصدیق کند

**رئیس** - آقای فیروز آبادی

**فیروز آبادی** - بنده اولاً عقیده دارم گر چه این عقیده بنده تقریباً امروز عملاً نیست بنده عقیده ام اینست که در امورات ما باید مقلد نباشیم وضعیات مملکت خودمانرا به بینیم و از روی آن وضعیات و موافق اخلاق و عادات مردم بعضی کارها بکنیم این يك عقیده بنده عقیده دیگر بنده این است که از امروز ما در صدد برآئیم يك قسمی بکنیم که تا پنج سال دیگر ده سال دیگر بکلی این مالیاتها از مملکت ایران ملغی شود خوب دولت هم مخارج دارد من منکر نیستیم هیچکس منکر نیست مملکت عدلیه میخواهد نظام میخواهد قوه داخلی میخواهد اینها از کجا داده شود بنده عقیده ام اینست که دولت در صدد برآید که از معادن و استخراج معادن این کار را بکند و از این راه این مملکت را بهتر

از جاهای دیگر میتواند اداره کند می بینید دیگران آمده اند يك چاه نفت در مملکت ما استخراج کردند که شاید همین امسال عایدات آن دوست و پنجاه کروار بشود این قسم باید عایدات پیدا کرد نه اینکه همه روزه مردم را تعقیب کرد مردم فقیر را که تو از این يك ری مملکت پنج تومان یا ده تومان بده یا هفت هزار بده این يك نظر بنده است ما بطور کلی باید اینرا تا ده سال دیگر کنار بگذاریم و عایدات دولت را از منابع سرشار و دست نخورده خودمان که امروز بهترین منابع در مملکت ما دست نخورده است استفاده کنیم این ترتیب عقیده بنده اینست که باید موقوف شود هر چه این نظر را تعقیب کنیم روز بروز سعی کرده ایم در تخریب مملکت خودمان در فقیر کردن و بیچیز کردن مملکت بدون اینکه کاری پیدا کنیم ما باید کارهای بزرگ بجهت اهل مملکت پیدا کنیم و استفاده های بزرگ هم بکنیم و آنرا بمصارف مملکت خودمان برسانیم اینقدر عقب صد دینار و یکشاهی گرفتن از مردم بر نیائیم این عقیده اول بنده است اما این قانون میزی که امروز آمده است خوب از بعضی حیثیات تسهیلات از برای مردم میشود اما در چهار پنج سال قبل يك قانون میزی از مجلس گذشت در اثر آن قریب صد و پنجاه هزار تومان تقریباً خرج آن میزی شد و ممیزی خوب یا بد شد اگر خوب شد که شده و اگر بد شد فرضاً میگویند کلاه دولت برداشته شده آخر کلاه دولت را کی میرد بجز ملت خودش میرد بجز این ملت فقیر میرد بجز اینکه وقتیکه اسباب فلاح و زراعت آماده شد و تسهیلات جهت فلاحین شد بر صادرات افزوده میشود و خودش تشویق زراعت است و به آسودگی و آسایش همین وقتیکه میخواهد صرف مرافعه با مامورین دولت بکند آنرا صرف زراعت کاری خودش میکند صرف فلاحت خودش میکند اسباب آسایش خودش و مردم را فراهم میکند چیز دیگری هم هست بر فرض هم که کلاه دولت برداشته شود یعنی صاحب حق حق خودش را میخورد نه اینکه از مملکت ما خارج شود و بیرون برود و صرف زندگانی لوکس شود امروز

زراعت این مملکت به منتها درجه تنزل رسیده چرا برای اینکه صادرات نداریم صادرات ما بکلی دارد از بین میرود و قتیکه صادرات ما بکلی از بین رفت و بر وارداتمان هم روز بروز افزوده شد عرض کردم حتی دواهی ما هم کبسول کرده از خارج میآید دواهای ما سابق بر این گل بنفشه و اینها بود حالا این کبسولها است که از خارجه میآید سابق بر این لباسمان کرباس بود که خودمان میبافتیم حالا این پارچههای زرعی پنجتومانی است که از خارجه باید بیاید سایر چیزها هم همین طریق پس باید کاری کنیم که فلاحتمان را تشویق کنیم ترویج کنیم زیاد کنیم صادرات بجهت مملکت پیدا کنیم اگر پول میخواهید پول را از راهیکه دیگران پیدا کردند ما هم باید پیدا کنیم عرض کردم یک چاه نفت بکنیم استفاده از آن بکنیم امروز شاید ما سالی سی کرور تومان پول بنزین و نفت بخارجه میدهم در صورتیکه سی معدن نفت داریم و یکی از آنها نمیتوانیم استخراج کنیم باید نظر خودمان و سعی خودمان را روی آن کار ببریم نه هر روز يك مالیاتی بمردم تحمیل کنیم و اشکال تراشی نسبت بمردم بکنیم دولت را از مردم رنجاندن و مردم را از دولت رنجانیدن این بضرر مملکت تمام میشود. باید سعی و کوشش کرد که عایدات کلی پیدا کرد بجهت مملکت و این قانون ممیزی را که امروز بنده موادش را ملاحظه میکنم میگویم اگر اختلاف پیدا شد پنج نفر از معتمدین محل و دو نفر از خودش خوب ده سال دیگر این ممیزی تمام نمیشود. بیست سال دیگر هم تمام نمیشود هر دهی دو ماه کاردار برای دولت خوب میگوئیم بیست دسته ممیز، صد دسته ممیز معین میکنند این صد دسته ده سال شب و روز کار کنند باین ترتیب که این لایحه معین میکنند باز بنده می بینم که تمام نخواهد شد بجهت اینکه اگر اختلاف پیدا شد حکم معین میشود از اینطرف و آنطرف و معتمد محل میآید یکماه در هر دهی طول میکشد و این کار نشدنی است خرج هم زیاد میشود و اسباب زحمت مردم هم خواهد بود و همچنین قیمت تسعیر را معین میکند

شش سال قبل از قیمتهایی که زیاد بوده است خوب وقتی مردم نتوانستند بدهند بالاخره کارشان بذلت میرسد و زراعت کاری موقوف میشود و از بین میرود و باین ترتیبی که در این لایحه هست بنده خیلی اسباب اشکال و زحمت هم برای خود دولت و هم جهت مردم و فلاحتین میدانم و گمان میکنم در موقع عمل هم قابل اجرا نباشد

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده خیلی تعجب می کنم مذاکرانی که امروز در مجلس شد چه آقای طلوع فرمودند و چه آقای فیروز آبادی مثل این است که يك لایحه مالیات جدیدی بمجلس آورده اند. آقایان میگویند مردم فقیرند صادرات نداریم از این جهت مالیات جدیدی وضع نشود و حال آنکه همچو چیزی نیست. عرض کنم بهترین مالیات آن مالیاتی است که مردم سالهای سال بان عادت کرده اند. همانظوری که آقای طلوع فرمودند زراعت ما مال عهد قدیم است این مالیات ارضی هم از همان تاریخ قدیم است. هر گاه بجزء جمع های قدیم که الان در وزارت مالیه بعضی نمونه هائی از آن هست مراجعه بفرمائید شاید از خیلی وقت قبل این مالیات ارضی و ملکی در مملکت ما رواج داشته است تانی از آن فرمودند مالیات بر عایدات این هم تقریباً مالیات بر عایدات است بجهت اینکه يك عایدی از ملك بر میدارد و سهمی هم بدولت میدهد حالا ببینیم چه شد که مالیات سابق بهم خورد و مالیات ممیزی جایش آمد آن فلسفه را اگر پیدا کنید دچار هیچ محذور و اشکالی هم نمیشویم. مالیاتهای ایران مطابق جزو جمعه هائی در وزارت مالیه و در ولایات هست ترتیب صحیحی ندارد و خاصه از ۱۳۲۴ اول مشروطیت که تفاوت عمل هاجزو عمل شد یعنی يك صورتهائی بود مثلاً کرمان دو بست و بیست هزار تومان مالیات داشت. کتابچه مینوشتند می فرستادند پیش حاکم. خورده خورده حکام که میرفتند تقدیمی هائی میدادند خاطر هم هست که در سنه ۱۳۲۴ تقدیمی کرمان رسید به ۱۱۴ هزار تومان آنوقت رأی دادند که این جزو عمل بشود و مالیات شد ۳۳۴ هزار

تومان. البته طرز وصول این و این تفاوت عمل جزو عمل کردن اسباب ظلم شد بمردم یعنی چطور اشخاصی که متمول بودند یا طرف ملاحظه بودند بانها تحمیلی نشد تحمیل شد بفقرا و بدبخت هائی که هیچ کار نمیتوانستند بکنند و بدرجه این تحمیل سخت شد که دولت نمیتوانست دیگر این مالیات را وصول کند و همیشه بین رعیت و مالک دعوی بود. مأمور باید برود اذیت کند تا این مالیات را وصول کند. این فلسفه باعث این شد که قانون مالیات ممیزی وضع شد و حقیقه قانون خیلی خوب و عادلانه بود که صد تومان از ملك استفاده میکنم سه تومان و نیم بدولت بدهم دیگر بهتر از این چه میشود. لکن چه شد؟ در عمل بد اجرا کردند یعنی تقصیر هم نداشتند بنده خودم آنوقت عضو وزارت مالیه بودم و میدیدم هر روز همینطور که آقای تقی زاده فرمودند البته يك متخصص لازم داشت يك ممیزین مطلق لازم داشت لکن چه بود در وزارت مالیه هشتصد هزار تومان از بودجه کسر کردند عده از مستخدمین بیکار شدند این ها همه روزه فشار می آوردند بوزارت مالیه و از وزارت مالیه کاری میخواستند حقوق انتظار خدمت میخواستند عده از صد پنج تجاوز کرده بود وزارت مالیه محل نداشت که بآنها حقوق بدهد وقتی که لایحه ممیزی گذشت اعتباری گذشت همین اشخاص را فرستادند برای اجرای ممیزی. خدا گواه است خاطر هم هست که یک نفر در دفتر مستشاری بود آنوقت بنده در اداره مستشاری بودم رئیس دفتر مستشاری آمد پیش بنده و گفت خدا شاهد است که من ندیده ام در صحرا چه جور زراعت میکنند و فرق بین گندم و جورا در زراعت میدانم اشخاصی را فرستاده اند به ممیزی بعضیها مردمان خوبی بودند لکن اطلاع نداشتند رفتند و از روی بی ترتیبی يك ممیزی غلطی کردند و بعضیها همانطور که فرمودند بد کردند یعنی از ممیزی استفاده کردند، از اشخاصیکه نمول و پول داشتند يك تمارفی گرفتند و ممیزی غلطی کردند از اشخاصیکه نداشتند بنده خدا گواه است ملکی را

سراغ دارم که صدی چهل مالیات برش وضع کردند یعنی صد تومان عایدات داشت چهل تومان مالیات برش بستند و بعضی جاها راسراغ دارم که صد يك هم مالیات گذاشته نشده این ممیزی بکلی غلط شد و بر ضرر مظلومین و خورده مالک و رعیت تمام شد و بفتح مالکین بزرگ حالا این لایحه ممیزی که اصلاح میشود نه اینکه يك قانون جدیدی است و يك مالیات جدیدی است که بملت تحمیل کرده اند بهترین طریق هم همین طریقی است که در این لایحه نوشته شده که اولاً شش ماهه بدهند شما مالیاتی سراغ ندارید که بفاصله شش ماه گرفته شود. اما اینکه فرمودند گاهی ممکن است بعضی جاها محصول پیش و عقب بدست بیاید و مالک ندارد بدهد از همین نقطه نظر در این لایحه وقت معین نشده بشش قسط قرار است بپردازد آنوقت وزارت مالیه در نظر میگیرد البته در ایران جاهائی داریم که در فروردین درو میشود و جاهائی داریم که در میزان درو میشود گندمش البته مطابق این ترتیب وزارت مالیه در نظامنامه تقسیم میکند این نقاط را و مالیات اشخاص را که بشش قسط و در شش ماه که محصولش بدست میآید بگیرد. باز بهتر از آنست که بود. در واقع اینطور که در این لایحه نوشته شده خود رعیت و مالک ممیزی میکنند دیگر ممیزی نمیرود. از او سؤال میشود جواب میدهد و روی او مالیات گذاشته میشود نه مأموری سراغ او میرود و نه اذیتی خواهد شد و اغلب هم بنده قطع دارم که عین موقوف را خواهند گفت و اگر خلاف گفتند دروغ گفتند البته باید مجازات بشوند ولی عرضی که بنده دارم راجع باین تسعیرات است که میزان را شصت ماهه اخیر میگیرند چون در این چند سال اخیر در ایران همه میدانیم گرانی بود و تسعیراتش گران میشود و امسال سالی است که رو بارزانی رفته و این جا اینطور معین کرده این هم در موقعی که ماده مطرح میشود بنده نظر خودم را عرض خواهم کرد

جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است

رئیس - موافقین با ورود در مواد قیام فرمایند

( اکثر قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود.  
ماده اول - از تاریخ تصویب اینقانون باستثنای نقاطیکه دولت بملاحظه احتیاجات ارزاقی ابقاء مالیات جنسی را در آنجا صلاح بداند مالیات مزبور تبدیل بمالیات نقدی خواهد شد.

نرخ تسعیر برای تعیین اساس این تبدیل مطابق نرخ آزاد متوسط جنس در شصت ماهه اخیر بدون آفت در محل معین خواهد شد برای تعیین نرخ متوسط جنس در هر یک از ولایات جزء کمیسیون بشرح ذیل تشکیل خواهد گردید.

۱) حاکم یا نماینده او

۲) رئیس مالیه یا نماینده او

۳) بلدیه

۴) دو نفر مالک از معتمدین محل و یک نفر تاجر غله که با توافق نظر حاکم و رئیس مالیه معین میشوند. مخیر کمیسیون قوانین مالیه (مصباح فاطمی) - نوشته شود رئیس بلدیه.

یک نفر از نمایندگان - رئیس بلدیه یا نماینده اش

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - حضرت آقای وزیر مالیه باید توجه داشته باشند اگر ما نظری داریم نظر باین است خودشان که وزیر مالیه هستند میدانند مسئله نقد در مملکت بچه روزی افتاده. بنده که مخالف هستم بابتبیل جنس به نقد مخالفم. برای اینکه ملاحظه بفرمائید حال مالکین و حال رعایا را و نبودن پول را در مملکت می دانید. که حکایت پول در مملکت ما بچه ترتیب است باندازه سخت واقعه مسئله اقتصادی و این مختص مملکت ما هم نیست بعلت اینکه چنانچه روزنامهجات اطلاع میدهند این جنگ بین المللی قهرمانیت اقتصادی را نسبت بهمهجا ایجاد کرده و در مملکت ما هم آمده است بنده مخالفت کردم از حیث تسعیر جنس است به نقد. بنده موافقم که ممیزین بعد از گذشتن این قانون

مخیر باشند که جنس را عیناً مأخوذ کنند یا تسعیر کنند. این اشکال بنده در ماده اول در اصل تبدیل کردن. بنده هم در ماده که نوشته شصت ماه اخیر را حساب کند، مطابق همان عقیده که آقای مؤید احمدی بیان کردند و اطلاعات آقای تقی زاده در این سنوات اخیر جنس خیلی گران بوده اگر میزان را این قرار بدهید باینکه امسال جنس این قدر ارزان است ولی چون سابق گران بوده حد متوسط بگرانی می رود قهراً گندم را از خرواری هیجده تومان و بیست تومان آن کمیسیون کمتر قیمت نمی کنند در صورتیکه الان گندم خرواری نه تومان است چرا بجهت اینکه سی تومان و چهل تومان و بیست و پنج تومان هم بوده است حالا رسیده است به هشت نه تومان حد متوسط میشود پانزده تومان یا هیجده تومان این هم مطابق این ماده قانون ممیزی بحال خودش باقی است و تا ده سال دیگر هم باید باقی بماند گندم خرواری هشت نه تومان را باید خرواری پانزده تومان بدولت بدهد اینرا هم تصدیق بفرمائید که این تحمیل ده ساله میشود آن ماده هم آقایان: بدانید که آن ماده بعد از تسعیر شدن ده سال بحال خودش باقی میماند بنده نمیدانستم این قانون امروز مطرح میشود و الا آن قبض را میآوردم که الان گندم در شیران ده تومان است و شانزده تومان میگیرند. در صورتیکه این طور فرمان هم در دستشان باشد آنوقت چه میکنند!! این است که بنده عقیده ام این است و پیشنهاد کرده ام که ده سال را در نظر بگیرند یعنی آن کمیسیون که تشکیل می شود ده سال اخیر را در نظر بگیرند بعد از آنکه ده سال اخیر را در نظر گرفتند حد متوسط آن ده سال را در نظر بگیرند این هم راجع باین مسئله. راجع بحسن ظن آقای تقی زاده بنده میدانم که در این قانون بینی و بین الله غالب موادش خیلی خوب است چون حسن ظن دارم می دانم ارفاق خواهند کرد. در این جا روی هم رفته ظاهراً خوب است اما وباطن فیه غضب شدید. مسئله کمیسوی که تعیین کرده اید تمام کمیسیون را از طرف دولت معین کرده اید بعلت اینکه نوشته اید: حاکم یا نماینده او

رئیس مالیه یا نماینده او. رئیس بلدیه. رئیس بلدیه انتخابی بدست مأمور وزارت داخله است مخصوصاً در بعضی جاها رئیس بلدیه حاکم است پس اینکه این طور قرار میدهند و میگویند دو نفر از معتمدین محل با اختیار مالک و یک نفر تاجر غله که با توافق نظر حاکم و رئیس بلدیه معین میشوند آخر لا اقل این جا يك قدری حق باید باو بدهند. حالا که شما می خواهید نفس مالیات گرفتن حاکمیت دولت است بنده قبول دارم اما در اجرائیش بعد از آنکه يك قانونی گذشت دیگر در اجرائیانش حاکمیت نیست. مثل طلب گرفتن بنده است از کسی که عدلیه حکم داده است بر حقانیت من باید بطریق عادی تلقی گردد. در موقعش عرض کردم شما میفرمائید که ما می خواهیم تسعیر کنیم خوب. وقتی که تسعیر واقع شد حقوق هر دو طرف علی السویه است سه نفر از طرف وزارت مالیه که حاکم و رئیس بلدیه و نماینده مالیه باشند و سه نفر هم از طرف مؤدی که دو نفرش از معتمدین محل باشند و يك نفر هم تاجر غله باشد این یکی هم یکی از اصلاحاتی است که بنظر بنده رسیده. و آن چیزی که منظور نظر بنده است همان جزء اول است که اگر موافقت بفرمائید آقای تقی زاده موافقت بفرمائید که مردم مخیر باشند در دادن جنس یا تسعیر آن به نقد نه اینکه حتماً نقدی باشد این بود عرایض بنده پیشنهاد هم تقدیم میکنم

وزیر مالیه ( آقای تقی زاده ) - پیشنهادی که آقا

میفرمایند و اصلاحیکه میفرمایند البته در موقع خودش صحبت میشود ولی اصولاً می خواستم عرض کنم که بعضی چیزها را بنده نمی فهمم بنده شخصاً خیال میکردم که اگر عکس این قانون را ما به مجلس میآوریم برای هر ماده آقایان رد میکردند ولی این چیزی را که ما این جا نوشته ایم قبول میکردند و پیشنهاد میکردند برای اینکه بهتر از این چیزی نمیشود که مالیات جنس را تبدیل به نقدی کنند این طرز مالیات یکی از بهترین عدالت هائی است که اجرا میشود بنده در کمیسیون عرض کردم این جا هم عرض میکنم



شاید خیلی فرق نباشد بین ما . همه آقایان که با جوانند یا پیرند در این مجلس بفرمایند که آیا سراغ دارند که بیست سال قبل اجناس از حالا گران تر باشد؟ بنده شخصاً آن قدری که بادم میآید نان يك من پنجشاهی و کورث منی سی شاهی و مرغ یکی سه عباسی را بادم میآید و بمرور زمان زندگی در دنیا و این جا ترقی کرد خصوصاً بعد از جنگ بین المللی باین طرف که در همه جای عالم بالا رفته است و باز هم بالا خواهد رفت خصوصاً با وجود این مالیات ها که خودتان میفرمائید قند میخورند مالیات میدهند شکر میخورند مالیات میدهند انوقت البته اجناس گران میشود سابقاً این مالیات ها را نمیدادند در زمان پادشاهان گذشته برای اینکه مردم را بخدا سپرده بودند و ول کرده بودند . اگر دزد نمیآید خودش بانصاف خودش نمیآید ( خنده نمایندگان ) و اگر میآید کسی نبود آنجا را حفظ کند . ضبط و ربط کند ولی حالا در جزیره قشم چند روز پیش حواله اش را دیدم نظمیہ ایجاد شده در کوچکترین شهر ها و ولایات ما نظمیہ داریم . قشون داریم همه اینها مخارج دارند پس مالیات احداث میشود وقتی که مالیات پیدا شد لابد بتدریج زندگی گران میشود واردات خارجه هم خود بخود گران شده چون در آنجا ها هم عملجات مزد زیاد میکیرند و قیمت جنس زیادتر شده خوب حالا اگر بیست سال باسی سال قبل جنس ایران را تبدیل به پول میکردند بصره زارعی نبود؟ اگر خرواری يك تومان ، یاد تو همان سه تومان ( بتفاوت ولایات ) حالا اگر تسعیر بکنیم چهل سال بعد از این باید مطابق تسعیر زمان بدهند و مطابق تسعیر در هر محل و در هر جا مرافعه لازم دارد اگر بخواهیم این کمیسیون را هر سال بر قرار کنیم و تسعیر عادلانه بشود که مطابق کمیسیون باشد در هر نقطه ایران در هر سال در هر بلوک يك کمیسویی برقرار شود دولت میخواهد این کار را موقوف کند علاوه بر این مقتضای زمان است وقتی که در مملکت تمام امور مطابق عصر حاضر میشود نمیشود يك چیز های غریب و عجیب قرون وسطی را قبول کرد

آنوقت هائی که پول در دنیا نبوده است جنس با هم مبادله میکردند آن عادات هنوز باقی بماند مثلاً چرا از ماهوت فروش عوض مالیات ماهوت نگیرند یا از آن کسیکه روغن میفروشد عوض مالیات روغن نمیگیرند اگر اینطور باشد که دولت باید صبح تا غروب انبار ها و جنسها تهیه کند و از مردم جنس بگیرد و بفروشد اساس مالیات روی نقد است چه جور تسعیر میکنند خودشان میدانند مالشان است نقد میکنند ما هم نکفتم مطابق امسال الان هم شکایت میکردند که جنس در این سنوات اخیر خیلی گران بوده است یکی از آقایان پہلوی من انشسته بود میگفت امسال بقدری ارزان شده است که به سه تومان رسیده است خوب این را هم به آقا عرض میکنم يك قانونی نمیشود در دنیا عقلاً متعین است محال است که برای تمام موارد و مصادیق در هر جا و هر جمع عادلانه باشد اگر این طوری بکنیم در آذربایجان تولید زحمت میکند اگر آنطور کنیم بدیگری زحمت میدهد ولی اینطور که ملاحظه میفرمائید روی هر مرتبه عادلانه است بعضی آقایان مدت را گفتند سه سال کم است پنجسال کردیم بعضی ها گفتند پنج سال هم خوب نیست شصت ماه باشد آنرا هم قبول کردیم بعضی دیگر هم گفتند در پنجسال هم آفت هائی بوده است بالاخره شصت ماه بی آفت قبول کردیم و گفتیم کمیسیون هم برقرار کنند تازه کمیسیون را هم میفرمایند که مالک درش دخالت داشته باشد این را هم باید عرض کنم مالیات همانطور که گرفتن حاکمیت دولت است طرز گرفتنش هم حاکمیت است و در اینجا مراعات عدالت شده است و خیلی هم مراعات عدالت شده است برای اینکه در این قسمت هم دو نفر از معتمدین محل هستند و دولت هم نمی تواند از آن کسیکه مالیات میگیرد تعیینش را هم و آنکاردار با و ولی وقتیکه بعضی چیزها در روز روشن نشد حاکم محل البته همیشه بد که نیست ممکن است خوب هم داشته باشد حاکم میآید رئیس بلدیہ هم می آید میگویند که اتفاق بر خطا مشکل است وقتی که اینها اتفاق کردند البته دولت هم مواظبت دارد وزارت مالیه خودش باید

مواظبت کند این را هم عرض میکنم که صحبت ارفاق نمیکردند بنده صریحاً عرض میکنم در مجلس که ما میل داریم نهایت درجه ارفاق را بکنیم آن اندازه که ارفاق ممکن است بشرط اینکه طلب دولت هم وصول شود و این لایحه را بنده شخصاً منی بر ارفاق میدانم و اگر اصولاً معتقد نبودم خودم نمی آوردم خلاصاً شاید بعضی نکات و مواردش عیب داشته باشد و بنده نفهمیده باشم میفرمائید اصلاح میکنم و اگر چنانچه عادلانه نبود انستیم نمی آوردم این لایحه چنانچه عرض کردم به مجلس تقدیم شده بود بعد از آنکه بنده متصدی وزارت مالیه شدم اولیاء دولت گفتند که خود بنده دو مرتبه مطالعه کنم و هر نظری که دارم اظهار کنم بنده مطالعه کردم و باین اصلاحاتی که شده است موافقت دارم که ارفاق هم شده است و از این جهت بمجلس آوردم جنی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

**فهریس - پیشنهاد ها قرائت میشود**  
**پیشنهاد آقای طباطبائی دبا**

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکتہ پیشنهاد مینمایم در ماده اول بعد از مالیات مزبور اضافه شود ( بدون مدت ) و بعد از هر يك از ولایات علاوه شود ( و محلهای جزران ) و در قسمت ۴ بعد از تاجر غله ( که از طرف مالک ) علاوه شود

**پیشنهاد آقای آقا سید مرتضی وثوق**

مقام عالی ریاست مجلس مقدس شورای ملی دامت شوکتہ در آخر ماده اول بنده پیشنهاد میکنم که نرخ تسعیر جنس مالیاتی در هر محل نرخ آزاد متوسط همان سال بدون آفت خواهد بود .

**پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب**

پیشنهاد میکنم در ماده اول عوض کلمه تبدیل نوشته شود شخصاً و زار تالیه میتواند مالیات جنس را تسعیر کند یا عیناً مأخوذ دارد

**پیشنهاد آقای بروجردی**

بصره ذیل را بماده اول پیشنهاد مینمایم

بصره - نرخ تسعیر برای تعیین اساسی این تبدیل مطابق نرخ آزاد سه ماهه خرمن در هر نقطه که شروع به برداشت محصول خواهد شد خواهد بود

**پیشنهاد آقای امیر تیمور**

پیشنهاد میکنم در قسمت اخیر ماده اول بعد از کلمه بدون آفت اضافه شود خشک سالی

**پیشنهاد آقای بروجردی**

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی

عبارت نرخ تسعیر را این جور پیشنهاد میکنم نرخ تسعیر در ولایات پنجتومان در مرکز ده تومان است .

**پیشنهاد دیگر آقای بروجردی**

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی

پیشنهاد میکنم عبارت نرخ تسعیر اینطور نوشته شود مطابق نرخ آزاد متوسط جنس در خرمن هر يك از پنجسال بدون آفت

**پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب**

پیشنهاد میکنم در ماده اول عوض کلمه شصت ماهه نوشته شود دهسال اخیر

**پیشنهاد دیگر آقای آقا سید یعقوب**

پیشنهاد میکنم در ماده اول جزء چهارم این نوع اصلاح شود ( ۴ ) سه نفر از معتمدین مؤدی مالیات که بکنفر آنها تاجر غله باشد .

**پیشنهاد آقای اسکندری**

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی این بنده پیشنهاد مینمایم بجای دو نفر مالک از معتمدین محل نوشته شود سه نفر مالک از معتمدین محل

**پیشنهاد آقای فهیمی**

بنده پیشنهاد میکنم در ماده اول بجای شصت ماه پنج سال نوشته شود و بجای محل مرکز بلوک یا قریه نوشته شود

**پیشنهاد آقای فتوحی**

مقام منبع ریاست محترم مجلس دامت شوکتہ - پیشنهاد میکنم در ماده اول در تشکیل کمیسیون نرخ تسعیر بعد از لفظ رئیس بلدیہ ( یا رئیس انجمن بلدی ) قید شود

## پیشنهاد آقای دکتر طاهری

مقام منبع ریاست دامت عظمه - پیشنهاد میشود در ماده اول در سطر چهارم بعد از عبارت (نرخ آزاد بتوسط جنس) اضافه شود موقع برداشت خرمن

**پیشنهاد آقای فیروز آبادی**

بنده در ماده اول پیشنهاد میکنم که نرخ آسیر موافق نرخ هذالسنه بوده باشد باستثناء جاهائیکه بواسطه افت نرخ آنها ترقی کرده که در آنجا سه نفر از معتمدین و سه نفر از طرف دولت رسیدگی کرده نرخ عادلانه جهت انجا معین کنند

**پیشنهاد آقای احتشام زاده**

پیشنهاد میکنم در ماده اول بجای شصت ماه نوشته شود سی ماه اخیر.

## پیشنهاد آقای طهرانی

مقام منبع ریاست دامت عظمه پیشنهاد میکنم در آخر ماده اول اضافه شود در صورتیکه مؤدی مالیات نتواند وجه نقد بدهد عین جنس بقیمت همان سنه عوض مالیات نقدی خواهد داد

## پیشنهاد آقای اعتبار

پیشنهاد میکنم در سطر پنجم بعد از جمله در محل اضافه شود بلوک یاقریه و بجای شصت ماه پنج سال نوشته شود.

## پیشنهاد آقای دهستانی

در ماده اول در قسمت ۴ نوشته شود ۴ دو نفر مالک از معتمدین محل و یک نفر تاجر غله که با توافق نظر رئیس مالیه و مالک معین میشوند.

## رئیس - ماده دوم قرائت میشود

ماده دوم - مالیاتهای مستقیم در هر سالی در ۶ قسط ماهانه متساوی اخذ خواهد شد و عموم مؤدیان مالیات مکلف میباشند که مالیات خود را در رأس اقساط مقرر بدون انتظار مطالبه بمالیه محل یا بوزارت مالیه بپردازند ولی هر مؤدی حق دارد که مالیات خود را قبل از مواعد مقرره یکجا و یا در مدت کمتری بپردازد

هم که فرمودید البته دولت بنا بر مقتضیات هر محل در همان موقع برداشت محصول شروع باین کار میکند جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

**رئیس - پیشنهادها قرائت میشود:**

## پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم در ماده دوم عوض عبارت در ششماه متساوی نوشته شود در ظرف شش ماه اخیر خواهد شد

مقام منبع ریاست معظم مجلس دامت شوکت

پیشنهاد میکنم در ماده دو بعد از لفظ اخذ کنندگان مالیات مکلف میباشند علاوه شود (موعد مقرر را باطلاع مؤدیان رسانند و) فتوحی

**رئیس - ماده سوم (بعضی از نمایندگان - ختم جلسه)**

بعد از این ماده

ماده سوم - هر مؤدی که اقساط مالیات خود را بموقع مقرر تادیه نکند ملزم خواهد بود که برای هر مبلغی که تادیه ننموده است بشرح ذیل علاوه بر مالیات مقرر تادیه نماید

سی روز تأخیر - نیم عشر اضافه .

شصت ۴ - يك ۴

نود ۴ - يك عشر و نیم اضافه .

یکصد و بیست روز تأخیر - دو عشر اضافه .

تأخیر تادیه مالیات علاوه بر صد و بیست روز جائز نبوده و مأمورین مالیه مکلف خواهند بود از حاصل املاک سهم مؤدی و در صورت عدم کفایت آن از بقیه دارائی مستنکف بطور مزایده با دعوت سه نفر از معتمدین محل بفروش رسانند و مطالبات دولت و هر گونه مخارجی که برای این مقصود پیش آید برداشت نماید

## رئیس - آقای آقا سید یعقوب

**آقا سید یعقوب -** در این ماده جلب میکنم نظر آقایان را چون این ماده را میشود گفت که عبارت بیت القصیده است يك ماده با اهمیتی است از يك جهت خوبست که دیگر مأمور مالیه و تحصیلدارها در دهات نبروند از يك طرف هم يك سخت گیریهائی در اطرافش

هست که آن سخت گیری بنده میترسم باعث شود که بعد از این خالصه دولت زیاد شود آنوقت يك لایحه در مجلس بیآورند که يك محلی از برای خالصه معین کنیم حالا اینجا چیز است در اینجا اعلان میکنند دولت مطابق نظامنامه که در اجرا خواهد نوشت اعلان میکند که اقساط مالیات باید داده شود شاید انشاء الله پیشنهاد بنده را در کمیسیون قبول کردند يك دولتی که الان بودجه اش رسیده است به هشتاد کرور این شش ملیون چیزی نیست که جوابی که مخبر داد ما قبول کنیم دولت معطل است همچو نیست که دولت برای این مبلغ معطل باشد این پیشنهاد را در نظر بگیرند که در کمیسیون قبول شود دولت اعلان میکند که مالیات این ده باید در عرض ششماه داده شود نهایت آنچه عقیده من است این است که در ظرف ششماه خورده خورده بدهد و ببرد بدهد بر رئیس مالیه آنجا و صندوق آنجا و بنده بمتساوی عقیده ندارم اینجا نوشته است که نیم عشر باید اضافه شود اینجا چه اندازه معین کرده است سی روز . اگر تأخیر افتاد چقدر معین کرده اند هر چند بنده معتقد هستم که انصاف پاك آقای تقی زاده در نظامنامه معین می کند که اگر سی روز تأخیر افتاد چند روز دیگر؟ (وزیر مالیه - ۲۹ روز) خیلی خوب ۲۹ روز اگر ۲۹ روز از يكماه تاخیر افتاد آنوقت نیم عشر اگر شصت روز تاخیر افتاد يكمشر بعد ۱۲۰ روز دو عشر اینجا عبارت ماده بکطوروری است که بمجرد تأخیر ۱۲۰ روز آن ادا کنندند مالیات را مستنکف قرار داده است اینجا نباید تصدیق کرد این را به این مستنکف نمیشود گفت که همین که در مدت ۱۲۰ روز نداد یاغی است این نتوانسته است بدهد در این مدت جنسش بفروش نرفته این را میشود گفت مستنکف؟ آنوقت مأمور مالیه برود در آنجا و مالش را حراج کند و بمزایده بگذارد و مخارجش را هم نوشته است که بنظر خودشان است آنوقت ملاحظه فرمائید که برای این خورده مالک و رعایا چه باقی میماند فکر



کنید این بدبخت يك چريب زمين دارد ۱۲۰ روز هم گذشت توانست بايد مطابق اين قانون آقايان رأى بدهند که صد و بيست روز هم گذشت و اين رعيت نداد مامور ماليه بايد برود محل آنچه هست بفروشد و مخارج را هم بردارد آنوقت اين بد بخت رعيت آن يك چريب زمينش را هم بايد بدهد جنش هم رفته است و پولش هم رفته است بنده همیشه در هر موردی آن فرضی که محل نظر است و شاید احتمال دارد واقع شود و مامورين ماليه آن عتاب و خطاب شان در کار باشد او را در نظر ميگيرم چون موقع اجراست آقای وزير ماليه حقیقه با آن عقیده پاکی که دارد خیال میکند که مامورين نمیکند ولی حقیقه نمیدانید مامورين چه میکنند و تمیدانید چه سخت گیری میکنند بمجرد این که قبری قانون اجازه داد پس عبارت در صورت عدم پرداخت مالیات در صورتیکه قدرت داشته باشد مستنکفش بدانید و الا در صورت عدم قدرت نمیشود این را گفت و همین طور مستنکف هم نباید باشد بنده اینطور پیشنهاد کردم آقای تقي زاده هم این را در نظر بگیرند آقايات غالباً میدانند که خورده مالکين با رعایای ماندارند آنوقت صد و بيست روز که تأخیر افتاد مستنکف شوند چون بنده با این نظر مخالف بودم در این قسمت این پیشنهاد را کردم باقی دیگرش بحال خودش باقی است

**وزير ماليه** - این ماده هم از ماده های خیلی خوبی

است که حقیقه از روی ارفاق و عدالت نوشته شده است خود بنده یاد دارم که مدتها همیشه در مجلس شورای ملی مذاکره میشد که اگر يك راهی پیدا شود که مامورين ماليه و تحصیلدار ها نروند بدهات حتی بقبری از این باب در زحمت بودند و حسن زحمت میکردند که يك وقتی مذاکره شد که اصلا مالیات ارضی را موقوف کنند حالا گفته میشود خودش بیاورد بدهد اصلا چه لازم است که ما اول فوراً فکر کنیم که نخواهد آورد من بادم میآید وقتی صحبت از مجازات بود گفتند اگر کسی کار بدی کرد فلان مجازات بشود آقای فیروز آبادی میفرمودند که

یعنی سه من نیم آن را بفروشد ما را راه بیندازد بعد برود سراغ مال خودش سه من نیم را هم اگر در آنموقع نتواند بفروشد ۲۹ روز مهلت دارد ثانیاً مسئله فروش هم اصلا و اساساً نیست وقتی که شما مالیات جنسی را مالیات نقدی کردید درست که زارع جنس را بفروشد در تمام مدت پنجتومان نقدی دارد آههه باید در اسفند ماه بدهد و يك وقتي هم برایش ما قرار گذاشتیم شما مالیات بر شرکتها دارید مالیات بر عایدات دارید وقت برایش قرار نگذاشتید و الان میگیرید اما این را برای اینکه يك تناسبی با محصول دارد چون این وقتی که نقدی شد باید محصولش را بفروشد و بدهد و از نظر این تناسب که با محصول دارد و زارع است گفته شد که در ششماه سال باید بدهد و هر قسطی که تاخیر شد تا ۲۹ روز دیگر اگر عقب افتاد در اینمدت میتواند بدهد اگر دو ماه عقب افتاد نیم عشر حالا میفرمایند نیم عشرش زائد است یعنی سه من و نیم تازه نیم عشرش میشود يك چارك و چند سیر برش اضافه میشود اگر آقايان بخواهند جریمه و مجازات راهی پائین بیاورند و ارفاق کنند آنوقت نتیجه نبارد و نایبری در وصول مالیات نمیکند ولی با این ترتیب امید داریم انشا الله مردم عادت کنند که مالیات دولت در سال جاری وصول شود و ما هر سال محتاج نشویم باینکه بیاییم و وجه متحرک بخواهیم و اینکار ها را بکنیم

**جمی از نمایندگان** - کافی است

**رئیس** - پیشنهاد ها قرائت میشود :

**پیشنهاد آقايان اسکندری** - مهدوی - جهانشاهی

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی پیشنهاد میکنم که بجای شش قسط چهار قسط درشش ماه آخر سال معین شود و قسط اول اگر تاخیر شود صدی ۲۰ سالیانه و قسط دوم صدی چهل در سالیانه و قسط سوم اگر تاخیر شود صدی شصت سالیانه جریمه بدهد الخ  
**پیشنهاد آقای احتشام زاده**  
پیشنهاد میکنم در ماده ۳ مدتیکه برای اخذ جریمه

تعیین شده از تاریخ انقضاء شش ماهی که برای پرداخت تمام مالیات تعیین شده منظور شود  
**پیشنهاد آقای مؤید احدی**

در ماده سوم این بنده پیشنهاد میکند که بعد از جله از بقیه دارائی مستنکف عبارت باستثناء مستثنیات دین اضافه شود

**پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب**

پیشنهاد میکنم در ماده سوم سطر چهاردهم بعد از کلمه مالیات اضافه شود در صورت قدرت الخ

**پیشنهاد آقايان میرزا حسینخان طهرانی و ایزدی**

پیشنهاد میکنم در ماده آخر ماده اضافه شود کسانیکه مالیات آنها بیش از ده تومان نمیشود در ظرف شش ماه هر موقع میتوانند مالیات خود را بدهند و در صورتیکه بعد از انقضاء شش ماه مالیات پرداخت با اضافه نیم عشر بر مالیات از مؤدی اخذ خواهد شد

**پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب**

پیشنهاد میکنم در ماده سوم عوض کله مستنکف نوشته شود مؤدی الخ

**پیشنهاد آقای امیر تیمور کلایلی**

در ماده سه پیشنهاد میکنم بعد از جله با دعوت سه نفر از معتمدین محل اضافه شود و اطلاع آنها  
**پیشنهاد آقای قاضی نوری**

مقام منبع ریاست محترم مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه بنده پیشنهاد میکنم ماده سه بطریق ذیل اصلاح شود تأخیر تادیه مالیات علاوه بر صد و بیست روز جایز نبوده از یکصد و بیست روز که گذشت

۱۵۰	روز ۳	عشر
۱۸۰	روز ۴	عشر
۲۱۰	روز ۵	عشر
۲۴۰	روز ۶	عشر
۲۷۰	روز ۷	عشر
۳۰۰	روز ۸	عشر



۳۳۰ روز ۹ عشر

۳۶۰ روز ۱۰ عشر

دو برابر مالیات معوقه از مستنکف در یافت نمایند و نیز مامورین مالیه مکلف خواهند بود حاصل کلیه ملک مستنکف را توقیف و در سال آینده مالیات معوقه و مالیات آن سنه را وصول و بقیه عایداترا با اختیار صاحب ملک واگذار نماید

پیشنهاد آقای دهستانی

پیشنهاد میکنم - در ماده سوم قبل از سی روز تاخیر نوشته شود بعد از سی روز تاخیر

پیشنهاد آقای دهستانی

پیشنهاد میکنم در آخر ماده سوم بعد از بقیه دارائی

مستنکف اضافه شود باستثناء آن چیزیکه جزو مصالح الاملاک زراعتی و یا مستثنیات دین محسوب میشود الی آخر  
پیشنهاد آقای اعتبار

تبصره ذیل را بماده ۳ پیشنهاد میکنم در صورت بروز اختلاف بین مؤدی مالیه در عدم تاخیر در پرداخت اقساط پرداخت جرائم موقتاً موقوف المطالبه خواهد ماند و وزارت مالیه اختلاف را رسیدگی خواهد نمود در صورت محقق بودن مؤدی اخذ جریمه معفو خواهد شد

(۴) - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه)  
رئیس - جلسه آینده روز پنجشنبه سه ساعت قبل از ظهر دستور بقیه دستور امروز  
(مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)  
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

## قانون

اجازه تشخیص عوائد حاصله از مدارس فنی و طب و دندانسازی با احتیاجات مدارس منزبوره

ماده واحده - بوزارت مالیه اجازه داده میشود قیمت یا اجرت اشیائی را که بمدارس فنی سفارش داده میشود و همچنین حق المعالجه مرضائی که بمدارس دندانسازی و طب مراجعه مینمایند بعایدات بودجه ۱۳۰۹ برده و در حدود عوائد مذکوره مبلغی بعنوان اعتبار انتفاعی مدارس فنی بر بودجه ۱۳۰۹ وزارت معارف علاوه و فقط برای خرید مصالح و مواد لازمه جهت انجام مراجعات و سفارشات تادیه نماید.

این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه سی ام مهر ماه یکهزار و سیصد و نه شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر